

## پیام شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به زنان کارگر و زحمتکش ایران

زنان کارگر و زحمتکش!

زنان آگاه و مبارز!

دروغ ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت) بر شما باد. شما، زنانی که تحت حاکمیت دولت دینی زن‌ستیز، با بی‌رحمانه‌ترین تبعیض، ستم و نابرابری مواجهید.

رژیم جمهوری اسلامی، چنان شرایطی را به عموم زنان در ایران تحمیل کرده است که نمونه آن را در کمتر کشوری از جهان می‌توان سراغ گرفت. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، در کنار رژیم مرتجع عربستان سعودی، در زمره معدود کشورهای جهان است که در آن برابری حتی حقوقی زن و مرد، به شکلی رسمی و علنی نفی شده است و قوانین رژیم جمهوری اسلامی بر این نابرابری و تبعیض صحه گذارده‌اند. وقتی که یک رژیم سیاسی، آشکارا مدافع نابرابری و تبعیض جنسی باشد، پوشیده نیست که ستمگری علیه زنان به اوج می‌رسد. دیگر مسئله صرفاً محدود به آن نیست که زنان از دسترسی به برخی مقامات محروم می‌شوند، از نابرابری دستمزد و حقوق رنج می‌برند، و یا استقلال اقتصادی ندارند

، بلکه منزلت و مقام زن در سطح یک انسان تابع، فرودست و درجه‌دو تقلیل می‌یابد. زن در همه عرصه‌ها با ستم، تبعیض و تحقیر مواجه می‌شود.



زن در ایران، در همه‌جا از خانه و محل زندگی گرفته تا خیابان و محیط کار در معرض انواع ستم، خشونت و تحقیر و فشارهای جسمی و معنوی قرار دارد. در نتیجه قوانین تبعیض‌آمیز و اسارت‌بار علیه زنان و کلیت سیاست‌های جمهوری اسلامی در تقویت و تحکیم جامعه مردسالار است، که زن در خانه، تابع و زیردست مرد است. سیاست و قوانین دولت دینی، مرد را فرمانروای خانه و زن را فرمان‌بر می‌داند. زن از دیدگاه جمهوری اسلامی عالی‌ترین وظیفه‌اش این است که در خانه بماند و یک زن خانه‌دار خوب باشد، از شوهر خود به‌خوبی مراقبت کند و وسایل رفاه و

آسایش او را فراهم آورد. این مرد است که نان‌آور و رئیس خانواده است. می‌تواند زن را از کار کردن منع کند. قوانین جمهوری اسلامی حکم می‌کنند که حتی مسافرت زن منوط به اجازه مرد باشد. همین قوانین است که به مردان خانواده اجازه می‌دهند، حتی زن را تنبیه کنند و با خشونت رفتار نمایند. کم نیستند زنانی که توسط مردان خانواده به قتل رسیده‌اند. زنان در بیرون از خانه نیز با خشونت دولتی، سرکوب ارگان‌های رسمی و غیررسمی دولتی، تحقیر و توهین، مواجه‌اند. دولت دینی حتی بر نحوه پوشش زن در خیابان و محل کار نظارت دارد. زن در محیط کار با اشکال دیگری از ستم، تبعیض، تحقیر و خشونت مواجه است. قوانین دولت دینی که زن را به درجه نیمه انسان تنزل داده است، تا به آن حد رسواست که شهادت دو زن را در دادگاه برابر یک مرد می‌داند، سهم ارث زن را، نصف مرد قرار داده است و دیه قتل زن را نصف دیه مرد دانسته است. این قوانین فوق‌ارتجاعی است که حتی پیشاپیش، اجازه قتل زن را به مرد با توجیه زنا داده است.

در کشوری که زنان به این شکل رسوا و ناهنجار، با نابرابری، تبعیض و ستم مواجه‌اند، حتی جداسازی زن و مرد به مرحله اجرا درآمده و حق انتخاب پوشش نیز از زنان سلب شده، تکلیف مسائلی از نمونه اشتغال پائین زنان، میلیون‌ها زن تحصیل‌کرده بیکار و فقیر، نابرابری دستمزد و حقوق، عدم دسترسی زنان به تمام مناصب و مقامات، روشن است. ستم بر زنان در ایران از جمیع جهات ابعادی هولناک دارد.

اما این همه به آن معنا نیست که زنان این نابرابری، ستمگری و تبعیض را پذیرفته و به آن تمکین کرده‌اند. بالعکس این ستمگری و تبعیض بی‌انتهای، جنبشی به وسعت سراسر ایران از عموم زنان پدید آورده که گرچه خودانگیخته و نا متشکل است، اما در همه جا، از محیط خانواده تا خیابان، از درگیری با پلیس و دیگر مزدوران رژیم تا نفی علنی و آشکار مقررات ارتجاعی، از مبارزه علیه قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز تا مبارزه مستقیم و جمعی علیه دولت دینی پاسدار نابرابری زن و مرد، می‌توان این مبارزه را دید.

تردیدی نیست که عموم زنان در ایران با نابرابری و تبعیض مواجه‌اند، این اما به آن معنا نیست که همه زنان به یک درجه از فشارها و تزییقات بی‌شمار دولت دینی، ستم، تبعیض و نابرابری رنج می‌برند و به یکسان با آن مبارزه می‌کنند.

زنان بورژوا، زنان خانواده‌های ثروتمند و مرفه، از امکانات فراوانی برای کاستن از دامنه فشار، تبعیض، نابرابری و تزییقات جمهوری اسلامی برخوردارند و علاوه بر این به خاطر منافع طبقاتی‌شان خواهان برافتادن دولت دینی که پاسدار تبعیض و نابرابری علیه زنان است، نیستند.

زنان کارگر و خانوارهای کارگری اما نه فقط بیشترین فشار ناشی از نابرابری، تبعیض و ستم جنسی بر دوش آن‌هاست، بلکه با ستم طبقاتی، استثمار طبقه سرمایه‌دار ایران، فقر و گرسنگی نیز مواجه‌اند. زنان زحمتکش، معلمان، پرستاران، میلیون‌ها زن بیکار، زنان سرپرست خانواده، زنان تهیدست و فقیر شهرها و روستاها نیز نه فقط بار فشارهای ناشی از ستم جنسی را بر دوش می‌کشند، بلکه با شرایط بس دشوار مادی و معیشتی مواجه‌اند، که نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران به آن‌ها تحمیل کرده است و از این بابت نیز شرایطشان به زنان کارگر نزدیک است.

بنابراین این زنان کارگر و زحمتکش هستند که به شکلی قطعی و رادیکال خواهان برافتادن هرگونه نابرابری، ستم و تبعیض علیه زنان هستند. چراکه منافع طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند. آن‌ها نه فقط خواهان برافتادن دولت دینی جمهوری اسلامی هستند که دین و دولت را آشکارا در هم ادغام نموده و قوانین و مقررات مذهبی قرون وسطایی را در مورد زنان به مرحله اجرا درآورده، بلکه از اساس، خواهان دگرگونی تمام نظم موجودند که رهایی قطعی زن را به بار خواهد آورد. این زنان که اکثریت بسیار بزرگ زنان ایران را تشکیل می‌دهند، از متحدی قدرتمند، مردان طبقه کارگر برخوردارند و می‌توانند مطالبات عموم زنان را عملی کنند و نه زنان طبقه حاکم سرمایه‌دار و ثروتمند.

تجربه نیز به قدر کافی این واقعیت را به همگان، نشان داد که تحقق مطالبات برابری طلبانه زنان، توسط زنان بورژوا، زنان طبقه حاکم، در ایران ممکن نیست. چند سال پیش را به یادآوریم که گروهی از زنان بورژوا-لیبرال و بورژوا مذهبی با ادعای تلاش برای اصلاح برخی قوانین تبعیض‌آمیز، به میدان آمدند. اما کاری جز این نکردند که گروهی از زنان و دخترانی را که واقعاً برای برابری به پا خاسته بودند، به دنبال جناح‌های مرتجع هیئت حاکمه بکشند و سرانجام آن‌ها را سرخورده و منفعل سازند. آن‌ها حتی نتوانستند یک مطالبه جزئی زنان را عملی کنند و با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شدند. دلیل آن‌هم پوشیده نیست. آن‌ها از مرتجعین حاکم بر ایران مطالبات زنان را درخواست می‌کردند. آن‌ها از طریق زد و بند با مردان مرتجع طبقه حاکم خواستار اصلاح قوانین زن‌ستیز بودند. آن‌ها نه از طریق مبارزه میلیون‌ها زن تحت ستم، بلکه از طریق توسل به سران و نهادهای ارتجاعی رژیم زن‌ستیز و دستگاه قرون وسطایی مذهبی، خواهان حذف پاره‌ای از قوانین ضد زن بودند. آن‌ها با شکست مواجه شدند، چراکه خواستار حفظ نظم موجود و رژیم مذهبی و ستمگر جمهوری اسلامی بودند. اما زنان کارگر و زحمتکش نه فقط منافعشان ایجاب می‌کند که برای برانداختن تمام قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز و تحقق برابری حقوق زن و مرد، رادیکال مبارزه کنند، بلکه خواستار برافتادن طبقه حاکم بر ایران هستند و از متحدی قدرتمند، رادیکال و پرجمعیت برخوردارند که قدرت و توان لازم را برای دگرگونی نظم موجود دارد.

زنان کارگر و زحمتکش! زنان آگاه!

تجربه نزدیک به چهل سال حاکمیت ستمگرانه دولت دینی جمهوری اسلامی، نابرابری، تبعیض و ستم وحشتناکی که در تمام این سال‌ها بر زنان اعمال شده است، نیازمند مبارزه‌ای متشکل، پیگیر و بی‌امان

برای سرنگونی دولت دینی است که یکی از ارکان موجودیتش بر نابرابری، تبعیض و ستم بر زنان قرار گرفته است. تجربه به همگان نشان داده است که مادام دولت دینی جمهوری اسلامی بر ایران حاکم باشد، حتی مطالبات حقوقی زنان امکان تحقق ندارد.

زنان کارگر و زحمتکش! زنان آگاه!

شما که به همراه رفقا، برادران و مردان خانواده خود در پیکار سترگ کنونی جامعه ایران، علیه جمهوری اسلامی و نظم ستمگرانه سرمایه‌داری مشارکت دارید، مدافعین راستین برابری حقوق زن و مرد و مبارزه برای برانداختن هرگونه ستم، نابرابری و تبعیض علیه زنان هستید. پرچم افتخارآفرین رهایی زن را در دستانتان توانمند خود نگهدارید و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تشدید کنید.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره پیگیرترین مدافع برابری حقوق زن و مرد و رهایی قطعی زن از هرگونه ستم بوده است و آگاه‌ترین زنان در صفوف این سازمان پیکار کرده‌اند و ده‌ها تن از این زنان کمونیست، در راه اهداف آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه، جان فدا کرده‌اند، هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان قرار داده که بی‌درنگ باید مطالبات فوری زنان را به شرح زیر به مرحله اجرا درآورد.

۱- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید ملغی گردد و زنان بدون هیچ قید و شرطی از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار باشند.

۲- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک‌جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان (حق حضانت)، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و کلیه مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت لغو شوند.

۳- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن؛ زنان باید از حق آزادی پوشش برخوردار باشند.

۴- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و آزار و اذیت و خشونت علیه زنان در محیط خانوادگی، محیط کار و جامعه ممنوع و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال گردد.

۵- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود؛ روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.

۶- حق سقط‌جنین، باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

۷- حقوق زنانی که بدون ازدواج دارای فرزند می‌شوند باید به رسمیت شناخته شود و این زنان باید به همراه فرزندان‌شان از کلیه حقوق فردی، اجتماعی در جامعه برخوردار باشند.

۸- زنان باید آزادانه و بر پایه برابری کامل با مردان در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان در ازای کار مساوی

۱۰ - ممنوعیت کار زنان باردار در رشته‌هایی که برای سلامتی آنها زیان‌آور است

۱۱ - ممنوعیت اخراج زنان باردار از محیط کار

۱۲ - مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و ۶ ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری کامل از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان

ما شرکت‌کنندگان در شانزدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر درود می‌فرستیم و شما را به تشدید مبارزه برای تحقق مطالبات فوق فرامی‌خوانیم.

**نابود باد ستم و تبعیض علیه زنان**

**زنده‌باد آزادی – زنده‌باد سوسیالیسم**

**شرکت‌کنندگان در کنفرانس شانزدهم سازمان فدائیان (اقلیت)**

**شهریور ۱۳۹۶**